

## متن پیاده سازی شده جلسه چهل و دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 25 آذر 1387

### بسم الله الرحمن الرحيم

به مناسبت بحث از آیه نفر، تحقیقی راجع به لعلّ شروع کردیم؛ تحقیقی از برخی نحویین و مفسرین داشتیم؛ گفتیم برای این معنا گاهی اجتهاد به کار رفته است مثلاً در قرآن لعلّ به کار رفته و نتوانسته اند توجیه کنند لذا گفته اند لعلّ به معنای تحقیق است یا گفتیم برخی بین معنا و داعی خلط می کنند؛ این کلمه به وفور در قرآن و روایات دیده می شود آیا این کلمه توجیه معقول دارد یا نه؟

مرحوم محقق اصفهانی وقتی به این واژه می رسد می فرماید: لعلّ به معنای شک و تردید است و لعلّ را وقتی به کار می برند که ما بعدش احتمال وقوع و عدم وقوع دارد چه لحاظ رجا و امید بشود چه نشود؛ شاید به همین خاطر در فارسی لعلّ را به «شاید» ترجمه می کنند نه به امید؛ شکی نیست که لعلّ های که در قرآن است را نمی شود به شک معنا کرد چرا که شک در ذات الهی معنا ندارد؛ بعد ایشان می فرماید: اگر از عقل اول شروع کنیم تا عقل دهم... همه اینها مراتب فعل خداوند هستند و در خارج هم احتمال وقوع است و هم عدم وقوع و لذا هر فعلی احتمال وقوع دارد و احتمال عدم وقوع هم دارد مثلاً تقوی مومنان، شکر خداوند و... ممکن است واقع شود و ممکن است واقع نشود و چون این افعال و پدیده ها در نهایت به ذات خدای تعالی منسوب است خدای متعال واژه لعلّ را به کار برده است.

به عبارتی اگر ما خود خدا را در نظر بگیریم تردد غلط است بدا غلط است و... اما اگر نسبت به نظام اسباب و خارج در نظر بگیریم در این صورت انتساب این افعال به خداوند تعالی اشکال ندارد.

استاد: از توضیحاتی که داده شد به یک نکته پی بردیم؛ و آن نکته این است که معنای تعلیل - که جناب نائینی می فرمود (هر جا لعلّ بیاید معنای تعلیل دارد) و مرحوم امام خمینی به صورت جزئی به عنوان ناقد پذیرفت که (لعلّ به معنای تعلیل باشد) - قابل تردید است.

استاد علیدوست: در لعلّ شک و تردید است اما جایگزینی لعلّ از (أو) صحیح نیست لذا صحیح نیست که به جای عبارت جاء زید أو عمرو بگویی جاء زید لعلّ عمرو؛ لذا نمی گوید لعلّهم یحذرون أو لا یحذرون.  
نکته: کلمات ملا صدرا، میرداماد و مجلسی را در لعلّ ببینید مطالب فاخری دارند.

راجع به اشکال اول مرحوم امام به نائینی ما داوری کردیم و حق را به هیچ کدام ندادیم؛ اما راجع به اشکال دوم مرحوم امام که می فرمود آقای نائینی شما یحذرون را به دلیل لیندروا بر وجوب حمل می کنید و دلیل وجوب انذار را هم از لولا نفر ... فهمیده اید و...

### بیان اشکال از ناحیه امام

شما دلیل وجوبتان به لولا تحضیضیه بر میگردد؛ در ابتدا از کوچ نکردن نهی کرده سپس امر کرده است پس امر بعد از نهی اتفاق افتاده است و امر بعد از نهی دال بر وجوب نیست.

### اشکالات به مرحوم امام

اولاً برخی معتقدند امر بعد حذر دال بر وجوب است لذا اشکال شما مبنوی است.

ثانیاً: ما کان المومنون لینفروا کافه ... از کجای این آیه نهی را استخراج می کنید؟ نهی دال و مبرز می خواهد در اینجا مبرز چیست؟ یکی از معانی که می توان بر ما کان المومنون ... در نظر گرفت این است که من خدا برای شما در شریعت ثبت نکرده ام که همگی کوچ کنید بلکه عده ای کوچ کنید. یا می شود اینگونه معنا کرد به صلاح شما نیست همگی کوچ کنید؛ بله می شود به

لسان نهی هم معنا کرد و گفت همگی کوچ نکنید و... ولی اخذ هر کدام از این ترجمه ها دلیل می خواهد.  
ثالثاً: تمام کسانی که می گویند امر بعد از نهی دال بر وجوب نیست قید لو لا القرینه را می آورند اما در ما نحن فیه قرینه وجود دارد چرا که بدون تردید اگر مراد از کوچ، کوچ به جهاد باشد یا کوچ به اندوختن دانش باشد و... همه اینها قرینه دارد که چنین کوچ های واجب است.

از بقیه اشکالات صرف نظر میکنیم و در پایان این بحث به سایر اشکالات پاسخ می دهیم ان شاء الله.

**الحمد لله رب العالمین**